بیان نامه یک نفر مسیحی

به نام پدر قدوس و مهربان

خواننده عزیز، شاید به آن تپه خاکستری که الماسی در زیر آن نهان است ابتدا با نظر لاقیدی نگاه کنید، ولی همین که باد معرفتی وزید و خاکستر از روی آن عقب رفت برق الماس از زیر آن نمایان شده و شما را بی‌اختیار به طرف خود جذب می‌کند، زیرا حقیقت خواهی و نخواهی باید خود را ظاهر کند و جلوه‌ای که لازمه آن است بنماید. نمی‌دانم که بیانات عیسی (روح‌الله) را خوانده و تعلیمات این حکیم روحانی دانشمند و این طبیب حقیقی را ملاحظه فرموده و دیده‌اید که چه انقلابی در اخلاق انسان پیدا می‌نماید و چه عشقی در سینه می‌پروراند و بالاخره چه شوری در سر آدمی ایجاد می‌کند؟ مدتی بود که کتاب مقدس در اتاق بنده نگارنده بود، اما به آن توجهی نکرده و مطالعه دقیقی در آن ننموده‌ام، ولی درخشندگی و شفافیت و برق آن رادیوم حقیقی و کتاب بی‌مانند همیشه به روحم چشمکی می‌زد تا اینکه جاذبیت آن در یکی از شب‌ها مرا به خود متوجه ساخت. هیچ مشاهده کرده‌اید که آتش وقتی به باروت برسد چه تأثیری می‌نماید و رنگ سیاه آن را چطور یک مرتبه به سرخی تبدیل می‌کند؟ همانطور بیانات این منجی آسمانی یک مرتبه زنگ‌های سیاه قلب انسان را با همان سرعت آتش گرفتن باروت زایل می‌کند. نمی‌دانم در این بیانات کوچک و مختصر چه قوه بزرگ و مؤثری موجود می‌باشد و جاذبیت (مانیتیزم) تعلیمات این منجی فوق‌العاده آسمانی چطور روح را تسخیر می‌کند.

یک نفر انسان تشنه در بیابان بی‌آب پس از مدتی سرگردانی و پیمودن راه دور آن هم در تابستان وقتی که به یک چشمه آب گوارا رسید چه حالتی برایش پیدا می‌شود؟ همان حالت را روح من و هر شخصی که گرسنه و تشنه درک حکمت و معرفت و انسانیت باشد بعد از خواندن کتاب مزبور درک می‌نماید و صفات و خصایص انسانیت کامل در وجودش متمرکز می‌شود. این منجی فوق‌العاده که نزدیک به دو هزار سال قبل ظهور نمود کیمیای اثرات الفاظش طوری است که بی‌اختیار در اعماق قلب انسان نقش بسته و او را مهیای هر نوع تربیتی می‌نماید. دقت فرمایید چه مریضان و گمراهان وادی ضلالت را با یک کلمه ساده نجات داده، کلمات درخشنده او که آمیخته به روح قوی وجود ذی وجودش می‌باشد اکنون چطور اشخاص را هدایت می‌کند، درست با دقت فرمایشاتش را بخوانید. ملاحظه کنید که آیا بهترین تعالیم، تعالیم او نیست و آیا این بیانات طلای خالص نیست؟ آیا ممکن است این تعالیم حکمت‌آمیز زنگ بزند و یا کهنه شود؟ هرگاه اقوال مسیح با بیانات سایرین موازنه شود معلوم خواهد شد که گفته‌های دیگران در مقابل فرمایشات عیسی مسیح چون چراغ در مقابل آفتاب است و معلوم است که این چراغ‌ها در قبال آفتاب بیانات این وجود فوق‌الادراک دارای ضیایی نیست. این است که با قوت قلب می‌گویم: «اگر شتر از سوراخ سوزن داخل شود ایرادی هم بر تعالیم عیسای مسیح وارد خواهد گشت.»

اینهاست تعالیم اخلاقی این نجات‌دهنده حقیقی: «هر که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را نیز به سوی او بگردان و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و عبای تو را بگیرد عبای خود را نیز به دو واگذار و هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو. هرکس از تو سؤال کند به او ببخش و از کسی که قرض از تو خواهد روی خود را برنگردان. شنیده‌اید که گفته شده است: همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن، اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنند و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند» (متی ۵: ۳۹- ۴۵). خوب در این حکمت‌ها دقت کنید روحیات (پسیکولوژی) افراد انسانی را با این تعالیم اخلاقی مقایسه نمایید، این تعلیمات را برای امتحان عملی کنید، در عوض آن خشم و غضبی که از طرف شخصی به شما می‌شود مورد لطف و نوازش قرار دهید و ببینید چه اثری می‌بخشد! آیا آن شخص به طرف شما رام نمی‌شود؟ آیا قلب او هر چقدر سخت و شریر باشد متوجه شما نخواهد شد؟ آن وقت ای خواننده عزیز که برای تعصبات جاهلیت حاضر نیستی مسیح را قبول کنی تصدیق کن که این کلمات حکمت‌آمیز تیزاب قاطعی است که غش‌ها و جرم‌های شرارت و بداخلاقی را از دل زایل می‌کند و قلب انسانی را دارای طلای بی‌زنگ صمیمیت می‌نماید.

با مراجعه به جریانات و اتفاقات سویی که واقع می‌شود ثابت می‌گردد که یک قتل اتفاقی سبب چندین قتل عمدی شده است؛ یعنی بر اثر سوء تفاهم و خشم و غضب، یک نفر شخص دیگری را می‌کشد. بعد فامیل مقتول از قاتل انتقام

می‌گیرد و فامیل منتقم با فامیل مقتول اولی کشمکش و نزاع می‌کند و بلا از خانه آنها دور نمی‌شود، اما وقتی که این کلمات را یعنی «با دشمنان خویش هم محبت نمایید» و «هر که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را به سوی او برگردان» در لوح قلب خود ثبت کنید و دستور و ناظر اعمال خویش قرار دهید چگونه ممکن است سبب اختراع شرارت و اتلاف نفوس شوید و کدام سنگ دل شریر است که در ازای خباثت خود ترحم و التفات بیند و رام نشود؟ سگهای درنده و خرس‌های وحشی پس از آن که از انسان انس و لطف دیدند مطیع می‌شوند و بوزینه‌های بی‌تربیت خدمت‌گذاری می‌نمایند. برای قلب‌های ضعیف و مستعد دعوت به مجاهدت و کوشش ببینید چه شربت پر قوتی داده است. می‌فرماید: «سؤال کنید که به شما داده خواهد شد، بطلبید که خواهید یافت، بکوبید که برای شما باز خواهد شد، زیرا هر که سؤال کند یابد و کسی که بطلبد دریافت کند و هر که بکوبد برای او گشاده خواهد شد» (متی ۷: ۷و ۸).

ملاحظه فرمایید که بزرگترین مژده را با برهان و دلیل محکم در مختصرترین بیانات ذیل ادا فرموده که انسان را کاملا متوجه ملکوت الهی می‌نماید: «کدام آدمی است از شما که پسرش نانی از او خواهد و سنگی به او بدهد یا اگر ماهی خواهد ماری به او بخشد؟ پس هرگاه شما که شریر هستید دادن بخشش‌های نیکو را به اولاد خود می‌دانید چقدر زیاده پدر شما که در آسمان است چیزهای نیکو را به آنانی که از او سؤال می‌کنند خواهد بخشید؟» (متی ۷: ۹- ۱۱) و نیز در این جملات آینده تفکر کنید و ببینید چه سد آهنینی در جلوی شرارت‌های آدمی احداث می‌نماید: «به اولین گفته شده است زنا مکن. لیکن من به شما می‌گویم: هرکس به زنی نظر شهوت اندازد همانَدم در دل خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راستت تو را بلغزاند قلعش کن و از خود دور انداز، زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد از آن که تمام بدنت در جهنم افکنده شود و اگر دست راستت تو را بلغزاند قطعش کن و از خود دور انداز، زیرا مفیدتر آن است که عضوی از اعضای تو نابود شود از آن که کل جسدت در دوزخ افکنده شود» (متی ۵: ۲۷- ۳۰).

در جای دیگران متین‌ترین کلماتی که برای توکل و تفویض منتهای زیبایی را دارد به این نحو ادا فرموده است: «بنابراین به شما می‌گویم: از بهر جان خود اندیشه مکنید که چه خورید و چه آشامید و نه برای بدن خود که چه بپوشید. آیا جان از خوراک و بدن از پوشاک بهتر نیست؟ مرغان هوا را نظر کنید که نه می‌کارند و نه درو می‌کنند و نه در انبارها ذخیره می‌کنند و پدر آسمانی شما آنها را می‌پروراند. آیا شما از آنها به مراتب بهتر نیستید؟» (متی ۶: ۲۵- ۲۶). اگر برای این بیانات مقدس بنای نگارش تفسیر باشد و حقایق قویه‌ای که از این سطور آشکار می‌شود بخواهم تشریح کنم در اطراف هر جمله باید کتابی نگاشت. این نوشته که از دست بنده روی کاغذ آمده است از طرف بنده نیست، بلکه از اثر هدایت روح عیسی مسیح است که بی‌اختیار احساسات خود را بروز می‌دهد. شما ای خواننده محترم، چراغ عقل را برداشته و در تمام گفته‌های حکما، عقلا، فلاسفه و بزرگان دقت کن و ببین که بیانات موجز و مختصر این خورشید حقیقت برای رشد دادن تخم ایمان در قلب انسان و تهذیب اخلاق و تنویر افکار جامعه آیا بالاترین و بزرگترین درس مفید برای تعلیم رشد روح نمی‌باشد؟

اگر کسی از من بپرسد که برای استقرار صلح عمومی در دنیا چه مواردی باید عملی شود، می‌گویم: «باید دول متمدنه فرمایشات عیسای مسیح را مطمح نظر قرار داده و پای آن را امضا کنند که بر خلاف آن رفتار نکنند.» اگر کسی اصول و مواردی از من برای کارفرما و کارگر بخواهد خواهم گفت: «برو و به انجیل مراجعه کن و مقصود خودت را خواهی یافت» و بالاخره هر کس از بنده حرفی در هر موضوع اخلاقی، حکمتی، فلسفی و اجتماعی بپرسد او را حواله به سرچشمه اخلاق و حکمت و فلسفه می‌دهم یعنی می‌گویم: «منظورت در کلمات مقدسه عیسای مسیح هست. برو و ببین و درک کن.» می‌توانم ادعا کنم که هر کس با من در هر موضوعی صحبت کند جواب او را فقط با یک جمله انجیل می‌توانم بیان کنم. با آن که مطالعات زیاد در اطراف این کتاب مقدس آسمانی ننموده‌ام، باز دقیقه به دقیقه قوت این کلمات در روح و جسم و قلب من زیادتر شده و خود را حاضر می‌سازم که اثرات این بیانات عملا اخلاق مرا تغییر داده و پسر مطیعی برای پدر آسمانی خود بشوم. اینک هم همان دعای مختصر و مفیدی را که مسیح تعلیم داده است می‌خوانم و برای شما نیز می‌نویسم: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید، اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود. نان کفاف ما را امروز به ما بده و قرض‌های ما را ببخش. چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده، زیرا ملکوت و قوت و جلال تا ابدالاباد از آن تست آمین» (متی ۶: ۹- ۱۳).

اکنون ای خواننده عزیز، که چند دقیقه وقت خود را صرف خواندن این کتابچه کرده‌ای به نام عیسای مسیح به تو می‌گویم که این اشعه نورانی را که توسط او از چشمه خورشید حقیقت به تو بتابد در خود نفوذ ده و تیشه در دست گرفته و ریشه‌های سست جهل، کدورت، شقاوت، خشم و غضب را کنده و به جای آن نهال‌های محکم و با ثمر ایمان، امید، محبت، صفا، راستی و الفت به عیسی مسیح را کاشته و با بیانات فصیحه حقیقت او آبیاری نما و جواهرات قیمتی را که میوه آن است در آسمان‌ها برای خود ذخیره کن چنان که فرموده است: «در آنجایید و زنگ زیان نمی‌رساند و دزدان نقاب نمی‌زنند و دزدی نمی‌کنند» (متی ۶: ۲۰). پس هر چه زودتر به نزد او بیا و از تعلیمات او مستفیض شو.